بسم‌الله الرحمن الرحیم

[اجتماع امرونهی 2](#_Toc431668451)

[قسم اول 2](#_Toc431668452)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc431668453)

[ملاحظات در استدلال فوق 2](#_Toc431668454)

[ملاحظه اول 2](#_Toc431668455)

[ملاحظه دوم 2](#_Toc431668456)

[احتمال دوم 3](#_Toc431668457)

[احتمال سوم 3](#_Toc431668458)

[احتمال چهارم 3](#_Toc431668459)

[احتمال پنجم 3](#_Toc431668460)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc431668461)

[تصویر دوم حل کراهت عاشورا 4](#_Toc431668462)

[حالت اول 4](#_Toc431668463)

[حالت دوم 4](#_Toc431668464)

[تشریح بحث 4](#_Toc431668465)

# اجتماع امرونهی

# قسم اول

# مرور بحث گذشته

بحث گرچه در ضمن عبادات مکروهه مطرح شد اما این بحث فی‌نفسه ارزش مستقل دارد. در اینجا بیان شد که امری که دارای منقصت است، نمی‌تواند مقرب الی الله باشد که ظاهر عبادات مکروهه بدین‌صورت است و موردبحث در اینجا مواردی است که به نحو ذاتی به آن نهی تعلق‌گرفته است و بدلی ندارد.

اولین نظریه در اینجا از آن مرحوم آخوند بود که مستحبین متزاحمین بازمی‌گرداند و در ظاهر لاتصم تصرف می‌کردند که متناسب با این بحث گردد. در اینجا اشکال و ردیاتی مطرح شد و به‌تبع پاسخ‌هایی ذکر گردید.

## ملاحظات در استدلال فوق

## ملاحظه اول

ملاحظه اولی که در جلسه گذشته مطرح شد، این بود که نمی‌توان باوجود بحث در امثله‌ای کبرای صحیح موجود در این استدلال را رد نمود.

## ملاحظه دوم

ممکن است کسی به لحاظ صغروی ادعا کند که لاتصم در اینجا به نحو ارشاد به بطلان است که این امری بعید نیست. روایات در قبال صوم روز عاشورا روایات متعددی است و ازلحاظ دلالی و سندی دارای اعتبار هستند. بعید نیست کسی در قبال آن‌ها ادعا کند که نهی تحریمی را افاده می‌دهد که از بحث خارج است و در منتهی نیز این احتمال مطرح‌شده است. بااین‌وجود بحث از عبادات مکروهه خارج می‌شود. اگر اجماعی در مقابل این امر نباشد، بعید نیست بتواند مقبول واقع شود. این روایات در ابواب صوم مندوب وسائل ذکرشده است.

## احتمال دوم

احتمال دیگری که در اینجا وجود دارد، این است که نهی از صوم به‌عنوان نهی تحریمی غیر مطلق باشد که نیت شخص یا برداشت عرف در قبال آن همراهی با بنی‌امیه باشد. در این صورت، صوم باطل خواهد بود و اگر غیرازاین باشد کراهتی در کار نخواهد بود. لذا هماهنگی با بنی‌امیه حکمت حکم نخواهد بود برخلاف احتمال اول که در اینجا علت خواهد بود.

## احتمال سوم

احتمال دیگر این است که مطلق صوم تنها حکم کراهت بدان تعلق می‌گیرد.

## احتمال چهارم

در این احتمال کراهت به‌خصوص صوم با نیت تبرک تعلق می‌گیرد.

این احتمال در این صورت خواهد بود که لا تصم تنها به‌عنوان صوم تعلق‌گرفته است نه اینکه از باب مصداقیت باشد.

## احتمال پنجم

احتمال دیگر که آقای خویی نیز بدان معتقد بودند این است که روایات لاتصم می‌خواهند به فرد بگویند افطار کن. این احتمال نسبت به سایر احتمالات جایگاه متفاوتی دارد. بنابراین در این احتمال لا تصم یعنی افطر.

## اتخاذ مبنا

اما این احتمال نیازمند مئونه بسیاری است و قرائن متقنی و واضح‌های در این مقام وجود ندارد. لذا گفتار آقای خویی در اینجا چندان تامیتی ندارد و بیان آقای نائینی ممکن است اقوی باشد. لذا ارجحیت با کلام ایشان است که نهی به خود صوم تعلق‌گرفته است. و در میان چهار احتمال اول، گرچه احتمال اول بعید نبود ولی جای بحث بیشتری وجود دارد.

## تصویر دوم حل کراهت عاشورا

در اینجا تصویر دومی برای حل مسأله کراهت عاشورا مطرح‌شده است که عبارت است از؛ تصویر دومی که مرحوم نائینی در اینجا ارائه داده‌اند، بر اساس مبنایی است که باید بدان اشاره گردد که گاهی متعلق دو حکم مسانخ در عبادات یک امر و گاهی دو امر است و هریک دارای احکام متفاوتی هستند.

##  حالت اول

مثال قسم اول نذری است که به عبادت مستحبی تعلق می‌گیرد؛ در اینجا دو امر وجود دارد؛ امری استحبابی مانند نماز جعفر طیار که کمتر به اعتبار و آثار آن در روایات وجود دارد. امری نذری وجوبی نیز در اینجا موجود است که هر دو حکم موجود متعلق یک حالت هستند.

## حالت دوم

مثال حالت دوم مانند اجیر شدن برای نیابت جهت نماز برای فرد است که در اینجا مرحوم آقای نائینی می‌فرمایند متعلق‌ها غیر از دیگری است. چراکه متعلق امر به نماز برای خود فرد بوده ولی متعلق منوب عنه برای دیگری و به نیتی برای خود فرد است. لذا در اینجا اندکاک موجود در حالت اول وجود نخواهد داشت.

## تشریح بحث

ایشان از این مقدمه منتقل به بحث صوم عاشورا شده است که؛

لا تصم در اینجا از قبیل حالت دوم است. چراکه متعلق در اینجا دو امر است. بیان ایشان بدین گونه است که صوم به ذات عمل تعلق‌گرفته ولی لاتصم به نفس عمل تعلق نگرفته است و امر عبادی به ذات عمل تعلق می‌گیرد و صم یعنی انجام و لا تصم یعنی نباید به این عمل تعبدی باشد که در اجوبة التقریرات ذکرشده است و باید ملاحظه گردد.